

دریچه

در مراسم هم‌گرایی دولت و پدیدآورندگان آثار فرهنگی و هنری

شریعتمداری؛ شفافیت اصل حاکم در فعالیت‌های این دولت است

● **بهناز شیربائی:** مراسم هم‌گرایی دولت و پدیدآورندگان آثار فرهنگی و هنری، یکشنبه، ۳ مرداد، با حضور محمد شریعتمداری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و هیئت‌مدیره اصناف فرهنگی و هنری در تالار رودکی برگزار شد.در ابتدای این مراسم علی‌اصغر سیدآبادی؛ مشاور برنامه‌ریزی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، روی صحنه حاضر شد و در سخنان کوتاهی گفت: «ماچرا از جایی آغاز شد که در جزء یک بند چ ماده ۹۲ دولت مکلف شده بود تمهیدات قانونی لازم برای امنیت شغلی اصحاب فرهنگ و هنر و مطبوعات و قلم و استقرار نظام صنفی را فراهم کند و در جزء دو دربارهٔ بیمه بی‌کاری صحبت شده بود. طبیعتا مثل همه احکامی که در برنامه‌های توسعه صادر می‌شود، بخش‌هایی از دولت مکلف می‌شوند که شیونامه اجرایی نوشته شود، در اینجا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف شده بود چنین چیزی بنویسد، اما با مشورتی که با آقای صالحی داشتیم فکر کردیم نمی‌شود در غیبت نمایندگان صنف در مورد صنف بحث کرد. به این نتیجه رسیدیم این جلسه باید با حضور نمایندگان صنوف مختلف برگزار شود و هر نتیجه‌ای حاصل شد، نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم هست. نامه‌ای نوشته شد به مدیرعامل خانه‌ها و رؤسای مختلف هیئت‌مدیره‌ها و انجمن‌های مختلف دعوت شدند به طرح بحث اتفاق افتاد». سیدآبادی در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «بحث شد اول از بیمه بی‌کاری شروع کنیم یا صنف؟ با اینکه همه موافق بحث صنفی بودند، اما به این دلیل که شناخت کافی از یکدیگر وجود نداشت، تمرینی از بیمه بی‌کاری شروع کنیم. در مورد بیمه بی‌کاری در جلسات مختلفی صحبت شد و بعد به نظام صنفی رسیدیم و پیچیدگی‌ها بیشتر خودش را نشان می‌داد».

مسعود هوشمندرضوی دیگر سخنران این مراسم بود. او با اشاره به مراحل تصویب‌نامه گفت: «هدف این تصویب‌نامه استقرار و توسعه در نهادهای‌سازی مفهوم کار شایسته است. کار شایسته یک مفهوم بین‌المللی است و بنا بر اسناد بین‌المللی کار و قوانین داخلی هم به آن اشاره شده. کار شایسته کاری است که آن برخورداری از فرصت‌های برابر اجتماعی و برابری دستمزد رعایت شده است. نیاز بود در بخش فرهنگی و هنری این فرهنگ کار شایسته نهادهین شود و نیاز به تشکیل‌هایی داشتیم که استاندارد باشد و به رسمیت شناخته شوند. یک فرصت تاریخی پیش‌رو داریم که از تصویب‌نامه رونمایی شود و این به‌عنوان یک فرصت

پیش‌روی ماست». فیاض زاهد، مشاور وزیر کار، نیز در صحبت‌های کوتاهی گفت: «اگر دولتی که با حمایت نهادهای مرجع شکل گرفت به مهم‌ترین وعده‌اش عمل کند، پاسخی است که به مردم داده شده است. اگر قرار است جامعه‌ای شرایط زیست بهتری فراهم کند، باید شرایط زیستی برای انسان‌های مکرم فراهم کند».ایرج راد، رئیس هیئت‌مدیره خانه تئاتر و منوچهر شاهسوراری، مدیرعامل خانه سینما به‌عنوان نماینده اهالی سینما، فریدون عموزاده‌خلیلی، رئیس انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، نگار نادری‌پور، مدیرمسئول انجمن هنرمندان مجسمه‌ساز ایران و کاوه رضوانی‌راد، نماینده خانه موسیقی، هر یک اهمیت حضور اصناف سینمایی در کنار هم و زیر نظر وزارت کار و امضای تصویب‌نامه را اتفاق خوبی برای اهالی فرهنگ و هنر توصیف و ابراز امیدواری کردند که مراحل نهایی انجام آن به طول نیینجامد و هرچه سریع‌تر این اقدام عملی شود تا شاهد روزهای بهتری برای اهالی فرهنگ و هنر باشند.سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، نیز در صحبت‌هایی گفت: «یکی از ۹ برنامه‌ای که در این دولت به مجلس ارائه شد، بحث بهبود کسب‌وکارهای فرهنگی بود به‌عنوان یک کلان‌برنامه با همین نگاه که حوزه فرهنگ و هنر با اینکه یک بُعد اهورایی دارد، اما در کنار آن ماده‌ای دارد که به آن روح کمک می‌کند برای اینکه روح ایرانی ما را حفاظت کند. در این دوره دوساله رویکردها و اقداماتی انجام شد؛ اینکه در بحث فرهنگ و هنر از مجوزها باکھیم و فضای کسب‌وکار

را فضای روان‌تر و آرام‌تری کنیم. ۱۳۷ مجوزی که در فضای حوزه و فرهنگ و هنر نبود، اکنون به ۲۶ مجوز کاهش داده شد».او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «یکی از رویکردهای مهم دولت تدبیر و امید بحث واگذاری امور به مردم و اهالی آن حوزه است. این رویکرد مقدماتی را لازم دارد. بحث گفت‌وگو بین دولت و مردم؛ از بحث سیاست‌گذاری تا اجرا باید همپا حرکت کند».این‌نامه شورای گفت‌وگو با همین نگاه نوشته شده است. با همین رویکرد هم اتفاقی که امروز ما را دور هم جمع کرد شکل گرفت».محمد شریعتمداری نیز در پایان گفت: «این امر بسیار امیدوارکننده است که در دوران ما این اتفاق به سرانجام برسد و متأسفم که چرا در تمام این مدت این اقدام انجام نشد. این آغاز راهی روشن است که با هم به فضل خدا طمی می‌کنیم. در مقابل فرهنگ و هنر دولت موظف است سر تعظیم فرود

آورد. شفافیت اصل مستحکم حاکم در فعالیت‌های این دولت است و پای این شفافیت استفاده‌ایم. تشکیل کمیته سه‌جانبه میان وزارت کار، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و صنوف تا حصول نتیجه قطعی بعد از امروز را که دستورالعمل به امضا می‌رسد اگر آقای صالحی بی‌زدرن تم تأیید می‌کنم. به وضعیت بازنشتگان توجه ویژه‌ای شود و حاضریم به دولت تقاضای فوریت طرح موضوع را هم بدهیم».

فرانک آرتا: وقتی فیلمی ساخته و اکران می‌شود، به طور طبیعی کار فیلم‌ساز پایان می‌یابد. او کنار می‌رود و آنچه باقی می‌ماند، یک «فیلم» است که باید از خودش دفاع کند. از این به بعد وظیفه «منتقد» است که جهان فیلم را رمزگشایی کند.

اگر شاهد خلاقیتی در فیلم بوده، آن را کشف کند و در حقیقت اوست که جهان خلق‌شده در فیلم را بر اساس اصول و منطق در برابر دیدگان تماشاگر، دوباره تبیین می‌کند. اصلا تاریخ سینما را منتقدان و مورخان با تحلیل‌ها و نقدهای متفاوت و مؤثرشان نوشته‌اند. چون آنها به درکی متفاوت از مفهوم فیلم دست یافته‌اند. به همین دلیل «متر و معیار» هر نقدی، عیار آن نوشتار را تعیین می‌کند. اینکه نگاه یک منتقد «پدیدارشناسانه» است یا «تبارشناسانه»، اینکه تمرکز نگاهش بر کدام تئوری است و...، بیانگر عمق اندیشه و توجه نگارنده آن نقد خواهد بود و مهم‌تر اینکه

هر «نقد» باید یک «مبنا» داشته باشد. اصلا این همه تئوری فیلم و کرسی‌های دانشگاهی مطالعات فیلم به‌وجود آمده‌اند تا به درک هر چه بیشتر فیلم‌ها کمک کنند. حالا این مفاهیم را بازگردا کنار جملات و تحلیل‌های منتقد اغلب ثابت برنامه تلویزیونی «هفت» در این سال‌ها و در یک قیاس حتی سطحی به طور قطعی کاملا دچار سرگیجه می‌شوید؛ این



علیرضا مجمع

شرمنده‌ام که بگویم عملا ساعت‌های بین ۱۱ جمعه‌شب تا حدود ۲ صبح شنبه عملا زمان هدررفته اتن برپیننده‌ترین شبکه تلویزیون است؛ ساعت‌هایی که با برنامه هفت بر می‌شود؛ روال جدیدی که از جشنواره فجر سال قبل آغاز شد و تا امسال هم طول کشید. این دوره هفت با اختلاف، بدترین رویکرد برنامه‌سازی را در بین هفت‌های قبلی دارد. دلایلش هم البته مشخص است. بودجه‌ای وجود دارد و یک تهیه‌کننده آشنا و پولی که باید تقسیم شود، بی‌آنکه احترام یکی از مهم‌ترین برنامه‌های سینمایی تلویزیون در سال‌های بعد از انقلاب رعایت شود. شاید اگر تک‌تک به عوامل اجرایی برنامه بپردازیم نتیجه بهتری از این مجال بگیریم؛

تهیه‌کننده: سیدمجتبی امینی

بازیگر سیاهی‌لشکر فیلم بد مسعود ده‌نمکی (رسوایی)، که بعدا شد تهیه‌کننده تلویزیون. بعد از گاندو که احتمالا پرپیننده‌ترین کارش هم هست، پیشنهاد تهیه‌کنندگی برنامه زمین‌مانده تلویزیون؛ هفت، را پذیرفت و بعد از تغییرات علی فروغی در شبکه سه و فراری دادن مجربانی که سال‌ها خاک شبکه سه را خوردند و حالا یکی خانه‌نشین است (البته در دانشگاه درس می‌دهد و برنامه فوتبال ۱۲۰ را هم تهیه می‌کند، اما ۹۰ را دیگر نه) و دیگری با بی‌تدبیری ما فرسنگ‌ها دورتر در دامن تلویزیون سعودی است، یکی از استراتژیک‌ترین برنامه‌های سینمایی همه سال‌های تلویزیون را تهیه می‌کند. با آمدن امینی سیل کسانی که اصلا نام‌ونشانی از آنها در دست نبود برای اولین‌بار مقابل مجری برنامه نشستند و از چیزهایی گفتند که مطلقا برای بیننده جذابیتی نداشت. آن‌قدر جذابیت نداشت که احتمالا می‌توان لقب ضعیف‌ترین تهیه‌کننده همه دوران هفت را به او داد. امینی به دنبال آدم‌های بی‌جذابیت گشت و کسانی را مقابل دوربین هفت آورد که اول بهشان

حکایت برنامه «هفت» و باقی ماجرا!



منتقد که از قضا طرفدارانی هم پیدا کرده، برای نقد یک فیلم از واژگانی همچون «درامده» یا «درنیامده» استفاده می‌کند و چقدر خوب بود که نشانی و تبار این واژگان خلق‌الساعه را هم به مخاطب معرفی می‌کرد که از کجا به این دستاورد رسیده! منتقدی که خود همه مسائل سینما را نقد می‌کند، طاق‌ت یک حرف مخالف را ندارد و جالب است که در

پاسخ مخالفان خود در این سال‌ها کلماتی به کار می‌برد که نگارنده از بازنشر آن شرم می‌کند! زمانی که کنار دست مسئولان یک کمپانی فیلم‌سازی نشست‌ه بود، از محضولات آن دفاع می‌کرد! یک روز «مکس» را فیلمی درخ‌رو می‌دانست و یک روز فیلم «شرط اول» و «زندگی خصوصی» را! ادعا می‌کند از مخالفان «فیلمفارسی» است اما با

هفت؛ هدر رفتن فرصت تاریخی تلویزیون

مأموریت: تخریب!

برای منافع بعدی احتمالی‌اش نان قرض دهد، دوم به جانحی که به آن تعلق دارد ادای دین کند وگرنه هیچ دلیلی ندارد کسی که حرف‌هایش را در قالبی زمخت می‌ریزد بخواهد در تلویزیون، آن هم پرپیننده‌ترین برنامه‌اش به تماشاگر بگوید؛ حرف‌هایی که نه برای دنیای ما خوب است، نه آخرتمان. تنها میهمانی که در این دو، سه هفته اخیر به هفت آمده و اتفاق به‌شدت حرف‌هایش جذابیت دارد، محمد اطباطی است که او هم البته از جنس و جناح آقای تهیه‌کننده نیست. هفت دوره امینی بدترین هفت در تمام طول عمر این برنامه است.

مجری: محمدحسین لطیفی

فیلم‌ساز و سرپال‌ساز متوسط سینما و تلویزیون در نبود آدم‌هایی که به لطف علی فروغی از تلویزیون رفته بودند، احتمالا خواست چالش جدیدی را تجربه کند و نشست به‌جای جیرانی و گبرلو و رضا رشیدپور. صاحب شال‌گردن‌های رنگی مدیوم اجرا را تنها در کت و شال‌گردن ست جست‌وجو می‌کرد وگرنه که فرم اجرای حسین لطیفی مطلقا به یک برنامه تخصصی تلویزیونی، آن هم در حیطه سینما نمی‌خورد. مجری چنین برنامه‌ای علاوه‌بر اطلاعات بالا درباره سینما باید صراحت لهجه داشته باشد و بعضی‌وقت‌ها با کسی که دارد حرف‌های پرت می‌زند هم مخالفت کند. لطیفی خیلی نرم از کنار هر حرفی رد می‌شود و نه میهمانش را به چالش می‌کشد، نه خودش را به زحمت می‌اندازد. البته اشراف روی جزئیات بحث هم از آن مواردی است که لطیفی ندارد و مثلا گبرلو و جیرانی داشتند، برای اینکه ژورنالیست بودند و در طول زمان با این ابزار کار کرده بودند، اما لطیفی در کل عمویش فقط فیلم‌سازی کرده است و قطعاً نمی‌تواند از عهده یک بحث چالشی در حیطه‌های مختلف سینما برپایید. حسین لطیفی برای هفت زیادی اعطاف دارد. او همه بار جذابیت هفت را از بین برده است.

میزنقد: مسعود فراستی

ایین رفیق سابق ما در ایین دوره میز را گرفته دست خودش و هر کاری دوستدار انجام می‌دهد. این میز اگر زمان جیرانی بود، بی‌شک ایین اتفاقاتی که الان دارد می‌افتد نمی‌افتاد. البته واژه‌هایی که در دوره جیرانی از زبان مسعود خارج شد و او را چندوقت از تلویزیون دور کرد هم

چند نکته درباره «مسعود فراستی»

کامرانیتِ فراست

یک مجله است. مجله امروزش را جوان‌ها آماده می‌کنند و او در کنار مطالب ما- به نام نقد- خلاصه داستان «سرگیجه»هیچکاک- فیلم محبوب‌ش را می‌نویسد و فراتر از یک داستان‌گوی بی‌بهره که بلد نیست، و آدم‌ها به میانجی همان نام‌ها و همین کارها او را باسواد می‌خطابند و افسوس که رنج او کم‌سوادی است و کنش‌هاش معلول شهرت -به هر قیمت.

ز: یک روز «همشهری کین» مبتذل است و روزی «تقوایی» فیلم‌ساز نیست. یک روز «کیارستمی» بد است و روزی «بهروز شعبی» خوب. «اخراجی‌ها» را به «یک جدایی» ترجیح می‌دهد و «بیست و سه نفر» در نظر او فیلم مهمی است و هیچ معیاری درون سینما نمی‌توان یافت -به نتیجه‌ای چنین منحط. در سینمای ایران معیار اظهارات او برای خوب یا بدپودن، سفارشات است و در سینمای جهان همان نام‌های دهان‌پرکی. می‌گوید «فرم» و باور کنید نمی‌داند فرم به چه معناست! فرم؟ اخراجی‌ها؟ قلابه‌های طلا؟ شوخی نکنید... «مسعود فراستی» مسیر تاریکی را پیموده و اکنون در رؤیای نور، تاریکی را به آغوش گرفته است. شاید چاره‌ای ندارد که... دقیقاّی بود که او چنین علنی ناگاه‌هایش را نسبت به علم سینما جار زد؟ وقتی به‌صراحت مقابل دوربین گفت: «بله من فیلم‌ها را ندیده نقد می‌کنم، مشکلی دارید؟» و دقیقا از کی ما این‌قدر منفعل؟ راستی او هفته آینده قرار است کدام کاربلد غیرخودی را بزند یا دست کدام سفارش‌شده‌ای را بگیرد؟

ا: یکی از مضرت‌ین برنامه‌های تلویزیون ما، برنامه

انتخاب فیلم‌هایی از جنس همین نوع فیلم‌ها، «فیلمفارسی‌سازان» را روسفید کرده است! فیلم‌های ناصر تقوایی، داریوش مهرجویی، عباس کیارستمی، هشتد و بیچاره مخاطبان جوانی که دل در گرو سینما دارند و پای حرف‌های او تا پاسی از شب می‌نشینند!! درست است که در ایام جوانی، فیلم‌های کلاسیک زیادی دیده و از قضا این دوره سینما را خوب می‌شناسد اما به‌روز نشده؛ اگر فیلم‌های متأخر سینما در مغایرت با چارچوب‌های ذهنی‌اش قرار بگیرند، نتیجه این می‌شود که آن فیلم بد است و نه اینکه خودش فاقد دانش جدید سینمایی است. مخلص کلام اینکه

ایشان همچنان در گذشته خود با همه آرمان‌ها و اعتقاداتش مانده و بیرون نیامده و اشکالش این است که دوست دارد جهان امروز را به جهان دیروز نزدیک کند، امری محال؛ چراکه تاریخ سینما به حرکت خطی خود ادامه می‌دهد. آینده همچنان سوار بر گذشته است و روز به روز شاهد تغییرات جدیدی در این هنر- صنعت خواهیم بود... .

ایشان همچنان در گذشته خود با همه آرمان‌ها و اعتقاداتش مانده و بیرون نیامده و اشکالش این است که دوست دارد جهان امروز را به جهان دیروز نزدیک کند، امری محال؛ چراکه تاریخ سینما به حرکت خطی خود ادامه می‌دهد. آینده همچنان سوار بر گذشته است و روز به روز شاهد تغییرات جدیدی در این هنر- صنعت خواهیم بود... .

به‌رحال جای حرف دارد. اینکه این واژه‌ها کدامش واژه نقد است و کدام نیست باید سر هرکدام نشست و مفصل بحث کرد. اینجا آمده‌ام که بگویم تنها بخش جذاب هفت در این دوره خشتی بی هیچ بروبرگردی میز نقد مسعود فراستی است. شاید بعد از چاپ این مطلب دوستان دیگر برای این حرف به من ایراد بگیرند، ولی حقیقت را که نمی‌شود کتمان کرد؛ مسعود خودش باسواد است، کاریزهای نقد دارد، می‌داند مدیوم چیست و بلد است با مدیوم بازی کند. اینها همه چیزهایی است که اتفاقا حسین لطیفی ندارد. یک لحظه تصور کنید که لطیفی قرار بود میز نقد را اجرا کند و مسعود کنارش نشسته بود. چه میز لوس و بی‌مزه‌ای می‌شد آن میز. همه این مزایا یک طرف، این میز ایرادهایی هم دارد، اگر خودش هم بپذیرد (که بعد می‌دانم). به نظر می‌رسد مسعود تاریخ سینمای ایران را خیلی دوست ندارد. خب اینکه فیلمی مثل ناخدا خورشید و هامون در این برنامه نقد شود، به خودی خود ایرادی ندارد، اما اینکه ترکیب میز جوری چیده شود که حرف صاحب میز به بیننده تحمیل شود به‌شدت زنده است.

من هم مثل مسعود، هامون را دوست ندارم، اما نه این شکلی. نقد باید بین مردم برود. باید بشود یا نقد ارتباط گرفت. اما وقتی مسعود با ادای کلمه‌های دقیق یک خاندان را زینر سؤال می‌برد، دیگر مردم از حیز انتفاع ساقط می‌شوند، هرچند که بیاید و بعد در فضایی غیر از تلویزیون عذرخواهی کند. من هم مثل او «شبی که ماه کامل شده» را دوست ندارم، اما کاری که مسعود با فیلم آبیار کرد آسمش نقد نبود. او به‌جز یک مورد به هیچ‌کدام از ایرادهای فیلم اشاره نکرد و در گفتاری کلی صرفا به ضدملی‌بودن فیلم پرداخت. میز نقد هفت با اینکه جذاب‌ترین قسمت این برنامه کسل‌کننده است، اما با روش مسعود فراستی تماشاگر را از تلویزیون دور می‌کند به عوض اینکه او را دو و سه نیمه‌شب شنبه نزدیک خود نگه دارد. یک نکته دیگر را هم بعد از ۱۵،۱۰ سال تازه درباره مسعود متوجه شده‌ام و آن، عوض شدن لحن نقد او به فاصله چند ماه است. قبلا مثلا در مورد فیلم خانه دوست کجاست؟ (عباس کیارستمی) این فاصله بیشتر بود، اما الان به چند ماه رسیده است. البته اگر الان از او نظرش را درباره فیلم‌هایی مثل بچه‌های آسمان و رنگ خدا و زیر نور ماه هم بپرسی شاید نظرش عوض شده باشد.

زیر آسمان فیروزه ای

اعلام نامزدهای نشان سپنتا

● امسال به بهترین فیلم‌نامه‌های سال «نشان سپنتا» اهدا خواهد شد.مهدی سجاده‌چی، رئیس شورای مرکزی کانون فیلم‌نامه‌نویسان سینمای ایران، در نشست خبری هشتمین شب فیلم‌نام با اعلام این خبر گفت: «تغییر بزرگ شب فیلم‌نامه امسال، گسترش جواز از یک جایزه به چندین جایزه برای بهترین فیلم‌نامه‌های ژانرهای مختلف سینمای ایران است، به‌این‌ترتیب از امسال به یاد عبدالحسین سپنتا، نویسنده نخستین فیلم‌نامه سینمای ایران، تدیس شب فیلم‌نام با نام نشان سپنتا به فیلم‌نامه‌نویسان ژانرهای مختلف سینمایی اهدا خواهد شد». سجاده‌چی دلیل این اقدام را توجهدادن کلیت سینمای ایران نسبت به مقوله تنوع ژانر و ایجاد امکان‌های تازه در داستان‌پردازی دانست.در ادامه این نشست خسرو نقیعی، سخنگوی فیلم‌نامه‌نویسان، نامزدهای بهترین فیلم‌نامه سال را به ترتیب حروف الفبا معرفی کرد: بهترین فیلم‌نامه ژانر درام؛ آستینکات (نوشته پیام کریمی و مجیدرضا مصطفوی)، بمب، یک عاشقانه (نوشته پیمان معادی)، چهارراه استانبول (نوشته مصطفی کیایی)، شعله‌ور (نوشته حمید نعمت‌الله و هادی مقدم‌دوست) و هنت‌تریک (نوشته رامتین لوافی)
بهترین فیلم‌نامه ژانر کمدی؛ قانون مورفی (نوشته محمدعلی حسینی، پوریا شجاعی و پویا مهدوی‌زاده)، مارموز (نوشته آیدین سبازسریخ)، مصادره (نوشته علی قربانی) و میلیونر میامی (نوشته مهیار حمیدیان، محمدصادق گلچین عارفی و محمد شهابی)
بهترین فیلم‌نامه ژانر جنایی؛ آخرین‌بار کی سحر را دیدی؟ (نوشته امیر عربی)، گرگ‌بازی (نوشته عباس نظام‌دوست، مجید اسلامی و علی نعمت‌اللهی) و مغزهای کوچک زنگ‌زده (نوشته هومن سیدی).
کانون فیلم‌نامه‌نویسان سینمای ایران در چهار ژانر فانتزی، اکشن، موزیکال و جنگ نیز نشان سپنتا به فیلم برگزیده اهدا خواهد کرد، اما به نصاب لازم برای اعلام نامزد در این ژانرها نرسید.
همچنین دو نشان سپنتا نیز به فیلم‌نام برگزیده هنر و تجربه و انتخاب مردمی اهدا خواهد شد.
نامزدهای بهترین فیلم‌نامه هنر و تجربه به شرح زیر معرفی شدند: پاسیو (نوشته مریم بحرالعلومی)، درساژ (نوشته حامد رجایی) و کوپال (نوشته ناظم ملایی).در هشتمین شب فیلم‌نامه، نخستین نشان سپنتا به شکل افتخاری به خشاییار الوند، فیلم‌نامه‌نویس درگذشته سینمای ایران اهدا خواهد شد. همچنین دو تقدیر جشن امسال از یک داستان‌نویس ایرانی که در طول سالیان در کنار سینما ایستاده و یک عضو قدیمی کانون فیلم‌نامه‌نویسان انجام خواهد شد.
هشتمین آیین شب فیلم‌نامه، چهارشنبه، ۶ شهریور، در سالن عباس کیارستمی بنیاد سینمایی فارابی برگزار خواهد شد.

داریوش اسدزاده درگذشت

● داریوش اسدزاده، بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر، یکشنبه سوم شهریورماه درگذشت.داریوش اسدزاده، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون، متولد یکم آرماد ۱۳۰۲ در کرمانشاه بود. او در ۲۰ سالگی وارد عرصه بازیگری شد و سال‌ها در مقام بازیگر، نویسنده و کارگردان در تئاتر تهران (نصر) فعالیت کرد. در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی و بیش از ۵۰ فیلم سینمایی ایفاي نقش کرد. او پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران را ترک کرد و در سال ۱۳۴۵ پس از ۱۰ سال اقامت در آمریکا بازگشت و در دو سریال «سمندون» و «خانه سبز» و فیلم‌های سینمایی زیادی مثل دو نیمه سبب، همسر، قلابه‌های طلا، یخ‌نیمه‌های ایران، زمان از دست‌رفته و بوی کافور عطر یاس بازی کرده است. آخرین فیلم او هم «حکایت دریا» به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا بوده است.

دبیر جایزه پژوهش سال سینما مشخص شد

● محمود اربابی، معاون توسعه فناوری و مطالعات سینمایی سازمان سینمایی، یکی دیگر از استادان برسته دانشگاهی را به دبیری ایین دوره برگزید. جایگاه علمی و تجارب ارزنده سرکار عالی در عرصه فعالیت‌های دانشگاهی و پژوهش سینما به موجب این حکم به‌عنوان دبیر سومین دوره جایزه پژوهش سال سینمای ایران منصوب می‌شود.امید است تداوم برگزاری باشکوه این رویداد علمی-پژوهشی که فرصت ارزشمندی برای شناسایی و معرفی پژوهش‌های برتر سینمایی وتقویت ارتباط میان سینماگران و دانشگاهیان و پژوهشگران است، جهت‌دهی پژوهش‌های سینمایی به سمت حل مسائل کلیدی و نیازهای اصلی سینمای ایران را فراهم نماید.دکتر اعظم راورداد دارای دکترای جامعه‌شناسی و استاد دانشکده علوم اجتماعی جهانی، «سینمای دهه شصت ایران از نگاه منتقدان»، «جامعه ایران در آینه سینما» و... و مقالاتی درباره «فیلم و جامعه»، «سینمای زن در سینمای ایران»، «نقش زنان در سینمای ایران»، «جامعه‌شناسی سیاسی سینمای ایران»، «تحلیل جامعه‌شناختی آثار سینمایی»، «ویژگی‌های اجتماعی فیلم‌سازان ایرانی» و «بازنمایی گفتمان‌های دینی در سینما» اشاره کرد. ایشان در دو دوره گذشته عضو شورای سیاست‌گذاری با مایت انتخاب از داوران این رویداد بوده‌اند.